

## ۲۲ خرداد: تجمع زنان در اعتراض به قوانین ناعادلانه

از زمان تدوین قوانین در انقلاب مشروطه، طی ۱۰۰ سال گذشته، تلاش زنان ایرانی همواره متوجه دستیابی به حقوق برابر و انسانی بوده است. اما با وجود تمامی این تلاش‌ها، در کلیه قوانین از جمله قوانین مدنی و جزایی، حقوق اولیه زنان همچنان نادیده گرفته شده و بن بست‌های قانونی بسیاری را بر زندگی زنان جامعه ایرانی تحمیل کرده است.

ما زنان در ۲۲ خرداد سال گذشته یک دل و یک صدا اعتراض خود را به کلیه قوانینی که حقوق زنان را نقض کرده ابراز داشتیم اما مطالبات بر حق ما همچنان بی پاسخ مانده است. بدین سبب امسال نیز در پیگیری قطعنامه ۲۲ خرداد سال گذشته دوباره گرد هم خواهیم آمد و خواسته‌های مشخص خود را از جمله منع چندهمسری، لغو حق طلاق یکطرفه مرد، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدر و مادر به طور مشترک، تصویب حقوق برابر در ازدواج (مانند حق بدون قید و شرط اشتغال و حق تابعیت مستقل زنان متأهل و...)، تغییر سن کیفری دختران به ۱۸ سال، حق شهادت و دیه برابر، و لغو قانون قراردادهای موقت کار و دیگر قوانین تبعیض‌آمیز اعلام خواهیم کرد.

از این رو از همه شهروندانی که به نقض حقوق زنان در قوانین موجود اعتراض دارند می‌خواهیم به گردهم آیی که به این منظور در روز دوشنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۵ ساعت ۵ الی ۶ بعدازظهر در میدان هفت تیر برگزار می‌شود بپیوندند.

**جمعی از فعالان جنبش زنان**

## چرا به قوانین اعتراض داریم؟

قوانین تاثیر بسیار زیادی بر زندگی زنان دارد، اما گاهی برایمان آنچنان طبیعی و غیرقابل تغییر به نظر می آید که حتی به آنها فکر هم نمی کنیم و تنها زمانی متوجه آنها می شویم که پای مان به دادگاه می رسد، تازه متوجه می شویم که اگر فلان قانون جور دیگری بود، شکل زندگی مان تغییر زیادی می کرد.

می دانیم که قوانین بسیاری از کشورها بر اساس نیاز و خواست افراد و شهروندان آن جامعه تغییر کرده است، یعنی وقتی تعداد زیادی از افراد یک جامعه متوجه شده اند که یک قانون که مثلا قرار بوده عدالت را بین شهروندان یک جامعه برقرار کند، خودش باعث بی عدالتی شده است، درصدد برآمده اند که آن را تغییر دهند، دولت ها و قانون گزاران هم با توجه به فشار مردم، مجبور به بازنگری و تغییر قانون شده اند و قوانین ناعادلانه را تغییر داده اند. این روند نه تنها در بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و دارد، بلکه در ایران نیز طی ۱۰۰ سال گذشته که قوانین به صورت مکتوب درآمده، بارها و بارها تغییرات زیادی در آن صورت گرفته است. اما متأسفانه قوانین مربوط به خانواده و آنچه به زنان مربوط می شود، بسیار کم تغییر کرده است. شاید به این خاطر که زنان کمتر به قوانینی که زندگی شان را تحت تاثیر قرار می دهد اعتراض

کرده‌اند و اگر هم اعتراض کرده‌اند چون این‌کار را به‌صورت فردی انجام داده‌اند، اعتراض‌شان به‌جایی نرسیده است.

اگر خوب به زندگی زنان نگاه کنیم می‌بینیم که در میان بستگان، دوستان و اطرافیان خودمان بسیاری از زنان را می‌شناسیم که زندگی زناشویی‌شان به جهنمی عذاب‌آور تبدیل شده است اما از وحشت جدا شدن از فرزندان‌شان این جهنم و عذاب دایم را برای خود می‌خرند. می‌سوزند و می‌سازند، چون مسئله حضانت و ولایت در قوانین، فرزند را جزو اموال پدر می‌داند و برای مادر، حتی قائل نیست. مادران زیادی وجود دارند که فرزندان‌شان را با همین قانون از دست داده‌اند و برای لحظه‌ای دیدن آنها هر خطری را به‌جان می‌خرند.

هنگامی که دختر و پسر با هم ازدواج می‌کنند، پیوند زناشویی که قرار است بر مبنای عشق و علاقه ادامه یابد، گاهی به دلیل حقوق بسیار زیادی که مرد در خانواده دارد، آرام آرام به نفرت و دلزدگی تبدیل می‌شود. مردان معمولاً قادر نیستند در برابر بی‌شمار حقوقی که به آنها اعطا شده مقاومت کنند؛ مثلاً وقتی می‌بینند که قانون به آنها اجازه‌ی ازدواج مجدد (تا ۴ زن) می‌دهد، یا این‌که زنان‌شان برای سفر و خروج از کشور مجبور هستند از آنها اجازه بگیرند و تازه هر وقت بخواهند می‌توانند زنان خود را طلاق دهند اما زنان حق طلاق برابر با

آنان را ندارند، فکر می کنند که رئیس و سالار زنان اند و به خود اجازه هرکاری را می دهند. به خود حق می دهند که با همین حقوقی که دارند ازدواجی را که با عشق صورت گرفته بود به قفسی خفه کننده برای زنان درآورند.

## به کدام قوانین اعتراض داریم؟

### ۱ - قوانین ازدواج:

مسئله ازدواج امر مهمی است که به خصوص در زندگی زنان تاثیر بسیاری می گذارد. اما اگر کتاب قوانین مدنی ایران را ورق بزنیم می بینیم، ازدواجی که قرار بوده "شیرینی" زندگی باشد، گاهی چنان مشکلات روحی و جسمی را برای زنان به وجود می آورد که تا آخر عمرشان با طعم تلخ آن از دنیا می روند. اولین قدم برای ازدواج یک دختر، طبق قانون ما "شرط اجازه پدر" است، یعنی اگر پدری نخواهد که دخترش ازدواج کند، دخترش جز از طریق دادگاه آن هم به شرط قبول دادگاه تا آخر عمر نمی تواند ازدواج کند و اگر پدری دلش بخواهد، می تواند دختر ۱۳ ساله خود را به عقد هر مردی، حتی ۷۰ ساله، دربیورد. البته بدتر از آن، پدر می تواند با اجازه دادگاه، دختر را حتی قبل از ۱۳ سالگی نیز شوهر دهد، طبق

این قانون ناعادلانه اکنون ازدواج دختران کوچک در بسیاری از مناطق کشور ما صورت می‌گیرد، چون قانون به پدر این حق را می‌دهد و چه بسیار شاهد بوده‌ایم که دختران نمی‌توانند ازدواج کنند چون پدرانشان اجازه نمی‌دهند. در واقع دختران باکره برای ازدواج حتماً باید اجازه پدر یا جد پدری را داشته باشند در غیر این صورت آن‌ها می‌توانند حتی بعد از ازدواج عقد نکاح را از طریق دادگاه باطل اعلام کنند. زن با ازدواج، یکسری از حقوق خود مانند تعیین محل زندگی، اجازه سفر و خروج از کشور را از دست می‌دهد و کار او در بیرون از خانه مشروط به اجازه‌ی شوهر می‌شود. در واقع زنان در عوض مهریه‌ای که در سند ازدواج به صورت عدد و رقم نوشته شده (و گاهی برای همیشه در حد عدد می‌ماند و گاهی آن‌قدر زن زجرکش می‌شود تا آن را برای حق طلاقی که ندارد ببخشد) از بسیاری از حقوق خود محروم می‌شوند. چون شوهر می‌تواند زن را از کار کردن در جامعه، از زندگی در شهری خاص، از مسافرت به خارج از کشور، از ادامه‌ی تحصیل و بالاخره در موقع طلاق حتی از دیدن فرزندش محروم کند.

طبق قانون مدنی ایران، محل زندگی زن باید تابع محل زندگی شوهرش باشد و اگر مثلاً زنی شوهرش در شهرستان کاری

پیدا کند و زن نخواهد با او به آن شهر برود، مرد می‌تواند حکم عدم تمکین زن را از دادگاه بگیرد و برود با زن دیگری ازدواج کند و درعین حال همسر اولش را ممنوع‌الخروج کند. از این بی‌عدالتی‌ها هر روز در میان زنان دور و اطراف‌مان می‌توانیم ببینیم.

زن همچنین با ازدواج مجبور به تمکین از مرد می‌شود به گونه‌ای که بر اساس قانون هرگاه مرد اراده کند زن باید آماده برقراری رابطه جنسی باشد. ازدواج به خودی خود بد نیست اما این قوانین می‌توانند از ازدواج ترسی وحشتناک در دل زنان ایجاد کنند.

ریاست خانواده نیز بر اساس قانون مدنی به طور مطلق در اختیار مرد است. ضمناً زنان ایرانی نمی‌توانند بدون اجازه وزارت کشور با فرد خارجی ازدواج کنند ولی این محدودیت برای مردها وجود ندارد.

قوانین مربوط به ازدواج در زندگی زنان هزاران شکل و رنگ به خود می‌گیرد و هیچ زنی نمی‌تواند بگوید اگر در حال حاضر دارای زندگی خانوادگی مناسبی است، همیشه این روال ادامه خواهد داشت، چون ممکن است بر اثر شرایطی مثلاً ثروتمند شدن شوهرش یا این قبیل مسائل، مرد ناگهان بخواهد

زن دیگری بگیرد و چون قانون هم به او حق می‌دهد، ناگهان زندگی زن زیر و رو می‌شود.

## ۲ - قانون طلاق:

طبق قانون، طلاق حق انحصاری مرد است و مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زنش را طلاق بدهد. اما اگر تقاضای طلاق از سوی زن مطرح شود او باید مواردی هم‌چون: بدرفتاری همسر، ندادن نفقه، اعتیاد و یا زندانی بودن شوهر و... را اثبات کند. هر زن شوهر کرده‌ای به‌خوبی می‌داند که اثبات این موارد در دادگاه چقدر مشکل است. در اغلب اوقات زن فقط پس از چند سال دوندگی موفق به اثبات آن می‌شود. البته در این موارد نیز زنان برای رهایی خود از ظلم و کتک‌های شوهر، اغلب مجبور می‌شوند مهریه خود را ببخشند.

در طلاق‌هایی هم که با توافق زن و شوهر انجام می‌شود، موارد بسیاری را می‌بینیم که همواره این زن است که تمام حقوق مالی خود را بخشیده تا توانسته به اصطلاح توافق شوهرش را بگیرد. در بسیاری از موارد نیز حتی هزینه‌های محضر و جاری شدن صیغه طلاق را تنها زن پرداخت کرده است.

### ۳- قوانین مربوط به ولایت و حضانت فرزندان:

در قوانین ما، حضانت و ولایت فرزندان دو مفهوم جداگانه دارد. حضانت به معنای نگهداری فرزند است و ولایت به معنای سرپرستی و اداره امور مالی، تصمیم در مورد تحصیل، تعیین محل زندگی، اجازه خروج از کشور، اظهار نظر و اجازه در مورد مسائل درمانی بچه و موارد دیگر .... است. بر اساس قانون مدنی ایران مادر هیچ وقت نمی تواند سرپرست فرزندش باشد و حتی در صورت نبودن پدر و جد پدری نیز سرپرستی فرزندان به او تعلق نمی گیرد و تنها می تواند قیم فرزند خود باشد که در آن صورت هم اداره سرپرستی (زیر نظر دادستانی کشور) بر کارهای مادر نظارت دارد و حتی حق فروش اموال فرزندان نیز به عهده اداره سرپرستی است. در رابطه با حضانت نیز: مادر پس از طلاق، حضانت فرزندان را از دست می دهد و فرزندان مشترک فقط تا سن ۷ سالگی تحت حضانت مادر هستند و البته در همین زمان نیز اگر زن ازدواج کند، حق حضانت فرزندانش را از دست می دهد.

### ۴- قوانین مربوط به تعدد زوجات یا چندهمسری



از دیگر موارد نابرابری در ازدواج نیز بحث تعدد زوجات، یعنی چندزنی مردان است. به گونه ای که مرد می تواند ۴ زن عقدی و بی نهایت زن صیغه ای داشته باشد. بسیاری از زنان تصور می کنند که اگر ازدواجی باشد شوهرشان آنقدر مرد خوبی است که دست به چنین کاری نمی زند اما گذری به دادگاه های نشان می دهد که بسیاری از شوهران حتی به بهای پنهان کردن آن از همسر اول خود از این حق مردانه استفاده می کنند.

#### **۵ - قانون تابعیت:**

قانون تابعیت مسئله بسیار مهمی برای برخی از زنان است. تابعیت با توجه به شرایط امروز جهان دارای اهمیت زیادی است چراکه تابعیت روابط فرد با دولت را مشخص می کند و تابعیت افراد نشان می دهد که تحت قوانین کدام کشور باید ازدواج کنند، مجازات شوند، مالکیت داشته باشند و... طبق قوانین ما تابعیت زن ایرانی به فرزندش منتقل نمی شود. اگر پدر شما ایرانی باشد، شما هم می توانید ایرانی باشید، اما داشتن مادر ایرانی شما را ایرانی نمی کند. این مسئله مشکلات زیادی را برای زنانی که برای نمونه با مردان افغانی ازدواج

کرده‌اند به وجود آورده است. چون بچه‌های آنان ایرانی محسوب نمی‌شوند و برای همین هم حق زندگی در ایران را ندارند. از طرفی زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج کند در بعضی موارد حتی تابعیت ایرانی خود را نیز از دست می‌دهد.

#### ۶- قانون مربوط به سن مسئولیت کیفری:

سن مسئولیت کیفری برای دختران ۹ سال قمری (۸ سال و ۹ ماه شمسی) و برای پسران ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۶ ماه شمسی) است. به طوری که اگر دختری ۸ ساله مرتکب خطایی شود با او مثل یک انسان بزرگسال رفتار می‌کنند و تمامی مجازاتی را که قانون در نظر گرفته است (حتی اگر اعدام باشد) برای او نیز صادر می‌شود. تنها استثنا هم این است که حکم پس از رسیدن به ۱۸ سالگی اجرا می‌شود و کودک مجرم این مدت را باید در زندان بگذراند.

#### ۷- دیه:

دیه میزان پولی است که به عنوان غرامت به کسی که صدمه دیده یا خانواده کسانی که کشته شده‌اند از سوی قاتل یا کسی که ضرب و شتم کرده پرداخت می‌شود.

در قتل غیر عمد (برای مثال قتل‌هایی که در تصادفات رانندگی اتفاق می‌افتد) و یا شبه عمد، دیه زن، نصف دیه مرد است و در صدمه دیدن اعضا نیز دیه‌ای که به زن تعلق می‌گیرد نصف دیه مرد است.

#### ۸- شهادت:

در بعضی موارد زنان، حق شهادت دادن ندارند، مثلاً در زنا محصنه، عفو از قصاص، وصیت، و... در مواردی هم که شهادت زن پذیرفته می‌شود، شهادت زن نصف مرد به حساب می‌آید و معمولاً در مورد واقعه‌ای که زنان شهادت می‌دهند باید یک مرد نیز در آن مورد شهادت دهد.

#### ۹- قضاوت:

بر اساس قوانین فعلی، زنان حق قضاوت ندارند، یعنی یک زن قاضی نمی‌تواند در دادگاه‌های ایران رای صادر کند و یا یک تصمیم قضایی بگیرد. زنان با پایه قضایی در قوه قضائیه استخدام می‌شوند اما فقط به عنوان مشاور در دادگاه‌ها کار می‌کنند و قضات مرد در دادگاه‌های خانواده در پرونده‌های

جاری فقط نظر آنان را می پرسند اما مکلف به تبعیت از نظر آنها نیستند.

#### ۱۰- ارث:

بر اساس قانون مدنی، زمانی که پدر و مادر فوت کنند و فرزند دختر و پسر داشته باشند پسران دو برابر دختران ارث می برند. در صورت فوت زن یا شوهر نیز ارث بردن آنها از همدیگر نابرابر است چون در صورت فوت شوهر اگر مرد فرزند داشته باشد زن یک هشتم از اموال وی را و در صورتیکه فرزند نداشته باشد یک چهارم اموال او را ارث می برد و آنها فقط از اموال منقول و اعیانی غیر منقول (قیمت خانه، درخت بدون در نظر گرفتن زمین آنها) اما شوهر در صورت فوت زنش اگر زن فرزند داشته باشد یک چهارم از کل اموال و در صورت نداشتن فرزند نصف اموال او را به ارث می برد. اگر زن ورثه دیگری نداشته باشد کلیه اموال به شوهر می رسد در صورتی که اگر شوهر ورثه ای نداشته باشد یک چهارم اموال را زن ارث می برد و بقیه به دولت می رسد. بدبختی آنجاست که اگر مردی بمیرد و چند زن داشته باشد تنها همان سهم یک هشتمی یا یک چهارمی بین تمامی زنانش تقسیم می شود.